

www.ketab.ir

● احکام فقهی رفتارهای حکومتی
(در قلمرو موضوعات اخلاقی)
● احمد جهان بزرگی

سرشناسه: جهان بزرگی، احمد، ۱۳۳۴.
 عنوان و نام پدیدآور: احکام فقهی رفتارهای حکومتی (در قلمرو موضوعات اخلاقی)
 / احمد جهان بزرگی.
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۷.
 * مشخصات ظاهری: ۳۵۱ ص. ISBN: 978-964-375-081-7
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: اخلاق، حرفه‌ای - جنبه‌های مذهبی - اسلام.
 موضوع: اسلام و ... - ایران.
 موضوع: Islam and state - Iran.
 موضوع: اجتماع اجتماعی - جنبه‌های مذهبی - اسلام.
 موضوع: Social ethics -- Religious aspects -- Islam.
 موضوع: امنیت ملی - جنبه‌های اخلاقی.
 National security-- Moral and ethical aspects.
 موضوع: اخلاق اسلامی.
 Islamic ethics.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۹۴ ج ۲۵۴
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۰۳۲۹



مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

● احکام فقهی رفتارهای حکومتی (در قلمرو موضوعات اخلاقی)

● احمد جهان بزرگی

● ناشر: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

● طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

● چاپ و صحافی: الفدیر

● چاپ اول: ۹۷، ۳۰۰ نسخه

● قیمت: ۳۵۰۰ تومان

● شابک: 978-964-375-081-7

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

سخن ناشر	۱۳
مقدمه	۱۵
الف) اهمیت و ضرورت موضوع	۱۵
ب) پیشینه تحقیق	۱۶
پ) هدف تحقیق و کلمات کلیدی آن	۱۷
ت) روش تحقیق	۱۸
ث) تعریف مسئله و بیان سؤال اصلی تحقیق	۱۸
ج) فرضیه تحقیق	۲۰
د) نوآوری و نقد های تحقیق	۲۰
ذ) ساختار تحقیق	۲۱
هـ) مفاهیم اساسی تحقیق	۲۲
بخش اول: موضوعات اخلاقی مرتبط با برخورد های گوناگون	۲۹
فصل اول: موضوعات اخلاقی افعالی	۳۱
گفتار اول: سوءظن	۳۱
۱. در مسائل خصوصی غیر مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی	۳۳
۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی	۳۶
۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری	۳۸
۴. مسائلی برای تحقیق	۴۱
گفتار دوم: تجسس	۴۱
۱. در مسائل خصوصی غیر مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی	۴۲

۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی..... ۵۱
۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری..... ۵۳
۴. مسائلی برای تحقیق..... ۵۷
- گفتار سوم: اذاعه اسرار..... ۶۰
۱. انواع اذاعه اسرار..... ۶۰
۲. مسائلی برای تحقیق..... ۶۵
- گفتار چهارم: تهدید و تخویف، ضرب و جرح..... ۶۷
۱. غیرمرتبط با مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری..... ۶۷
۲. مرتبط با مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری..... ۷۱
- الف) حوزه مرتبط با افراد عادی جامعه..... ۷۲
- ب) مرتبط با متهمان، مجرمان و اسیران..... ۷۴
- مسائلی برای تحقیق..... ۷۹
- تهدید و تخویف..... ۷۹
- فشار روحی روانی..... ۸۰
- ضرب..... ۸۰
- جرح..... ۸۱
- بازداشت و حبس..... ۸۱
- قتل..... ۸۲
- گفتار پنجم: حق الناس (حقوق مالی افراد) و بیت المال..... ۸۳
۱. تصرف در حق مالی افراد بدون ارتباط با مسائل سیاسی - امنیتی..... ۸۳
۲. تصرف در حق مالی افراد در ضرورت‌ها و یا در ارتباط با مسائل سیاسی - امنیتی..... ۸۸
- الف) به خطر افتادن جان و مال مؤمن..... ۸۹
- ب) به خطر افتادن حکومت اسلامی..... ۹۱
- ج) در شرایط جنگ..... ۹۲
۳. مسائلی برای تحقیق..... ۹۳
- گفتار ششم: معاشرت (حریم حرمت نامحرم)..... ۹۸
۱. گفت‌وگو..... ۹۹
۲. نگاه کردن و لمس نمودن..... ۹۹

الف) در شرایط عادی.....	۱۰۰
ب) در شرایط استثنا.....	۱۰۳
ج) در شرایط ارتباط با مسائل سیاسی، امنیتی و اجتماعی.....	۱۰۵
۳. مسائلی برای تحقیق.....	۱۱۰
گفتار هفتم: وعده و عهد.....	۱۱۲
۱. عهدشکنی و خلف وعده با خدا.....	۱۱۳
۲. عهدشکنی و خلف وعده با اشخاص حقیقی در مسائل روزمره.....	۱۱۴
۳. «عهدشکنی» و «خلف وعده» با اشخاص حقیقی و حقوقی در مسائل اجتماعی و اداری.....	۱۱۵
۱. عهدشکنی و خلف وعده با اشخاص حقیقی و حقوقی در مسائل سیاسی.....	۱۱۸
۲. عهدشکنی و خلف وعده با اشخاص حقوقی.....	۱۱۸
ا) عهدشکنی و خلف وعده با مردم.....	۱۱۸
ب) پیمان با سمنان.....	۱۱۹
ج) پیمان با اقامتگاه.....	۱۲۱
د) امان دادن.....	۱۲۲
۵. استثنائات وعده و عهد.....	۱۲۳
الف) عهدشکنی و خلف وعده، عهد شکن - تقابل.....	۱۲۳
ب) عهدشکنی و خلف وعده در معصیتها.....	۱۲۴
۶. مسائلی برای تحقیق.....	۱۲۵
گفتار هشتم: کاهلی در عبادات و شریعات.....	۱۲۶
مسائلی برای تحقیق.....	۱۳۱
فصل دوم: موضوعات اخلاقی اقوالی.....	۱۳۱
گفتار اول: غیبت.....	۱۳۵
۱. در مسائل خصوصی غیر مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی.....	۱۳۶
۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی.....	۱۳۹
۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری.....	۱۴۳
۴. مسائلی برای تحقیق.....	۱۴۶
گفتار دوم: تهمت و بهتان.....	۱۴۹

۱. در مسائل خصوصی غیرمرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی ۱۵۱
۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی ۱۵۷
۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری ۱۵۹
۴. مسائلی برای تحقیق ۱۶۱
- گفتار سوم: دروغ ۱۶۱
۱. دروغ مضر ۱۶۲
۲. دروغ نافع ۱۶۵
- الف) دروغ واجب ۱۶۵
- ب) دروغ جایز ۱۶۷
- ول: هنگامه جنگ ۱۶۷
- م: زان آشتی دادن ۱۷۰
۳. مسائلی برای تحقیق ۱۷۰
- گفتار چهارم: توبه ۱۷۱
۱. توبه در حد ظن (۱۶۷) ۱۷۳
۲. توبه در جنگ ۱۷۷
۳. توبه در مسائل روزمره - حصی ۱۷۸
۴. توبه در تهدید و تأدیب ۱۷۹
۵. توبه در بازجویی و بازپرسی در قضاوت ۱۷۹
۶. مسائلی برای تحقیق ۱۸۰
- گفتار پنجم: هجو و تمسخر ۱۸۱
۱. در مسائل خصوصی غیرمرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی ۱۸۲
۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی ۱۸۵
۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری ۱۸۶
۴. مسئله‌ای برای تحقیق ۱۹۲
- گفتار ششم: فحش و ناسزا (دشنام) ۱۹۲
۱. دشنام و ناسزا به افراد عادی ۱۹۲
۲. دشنام و ناسزا به پیامبر اعظم (ص)، ائمه معصومین (ع) و حضرت زهرا (س) ۱۹۸
- الف) در شرایط عادی ۱۹۸

۲۰۱.....	ب) در شرایط اکراه و اجبار
۲۰۲.....	۳. مسائلی برای تحقیق
۲۰۳.....	گفتار هفتم: سرزنش (تعییر)
۲۰۳.....	۱. در مسائل خصوصی غیر مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی
۲۰۶.....	۲. در مسائل خصوصی مرتبط با مسائل سیاسی - امنیتی
۲۰۷.....	۳. در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری
	بخش دوم: قواعد فقهی و قواعد، اصول و مسائل اصول فقهی حاکم بر
۲۰۹.....	مبارهای اخلاقی
۲۱۱.....	فصل اول: قواعد فقهی
۲۱۱.....	گفتار اول: قاعده ولایت حاکم شرع بر احکام ثابت و متغیر سیاسی - اجتماعی
۲۱۲.....	۱. ولایت در قتل
۲۱۳.....	۲. ولایت در تعین مواضع خارجی (مصادیق)
۲۱۴.....	۳. ولایت در قضا
۲۱۶.....	۴. ولایت در اجرای حدود
۲۱۸.....	۵. ولایت تصرف در اموال و تقصیر
۲۱۸.....	۶. ولایت در امور حسبه
۲۱۹.....	۷. ولایت در زعامت و رهبری
۲۲۰.....	۸. ولایت در اذن و نظارت
۲۲۳.....	۹. مسائلی برای تحقیق
۲۲۴.....	گفتار دوم: قاعده وجوب حفظ نظام اسلامی از اختلال
۲۳۱.....	مسائلی برای تحقیق
۲۳۱.....	گفتار سوم: قاعده حفظ حرمت مؤمنان
۲۳۶.....	مسائلی برای تحقیق
۲۳۶.....	گفتار چهارم: قاعده تفاوت احکام مسلمانان با غیر مسلمانان
۲۴۰.....	مسائلی برای تحقیق
۲۴۱.....	گفتار پنجم: قاعده طهارت
۲۴۳.....	مسائلی برای تحقیق
۲۴۳.....	گفتار ششم: قاعده حلیت

۲۴۵.....	مسئله‌ای برای تحقیق
۲۴۵.....	گفتار هفتم: قاعده حرمت اشاعه فحشا
۲۴۹.....	مسائلی برای تحقیق
۲۴۹.....	گفتار هشتم: قاعده عسر و حرج
۲۵۱.....	مسائلی برای تحقیق
۲۵۲.....	گفتار نهم: قاعده لا ضرر
۲۵۴.....	مسائلی برای تحقیق
۲۵۴.....	گفتار دهم: قاعده «لا تترك الصلوة بحال»
۲۵۹.....	مسائلی برای تحقیق
۲۶۱.....	صل دهم: قواعد، اصول و مسائل اصول فقهی
۲۶۱.....	اصل اول: تقسیم احکام به ثابت و متغیر (یا اولیه و ثانویه)
۲۶۶.....	مسائلی برای تحقیق
۲۶۷.....	گفتار دوم: اصل اهرام (تزامم)
۲۷۱.....	مسائلی برای تحقیق
۲۷۲.....	گفتار سوم: اصل الضرورات تنسیخ المهورات
۲۸۲.....	مسائلی برای تحقیق
۲۸۴.....	گفتار چهارم: اصل الضرورات تقدر بقدرها
۲۸۸.....	مسائلی برای تحقیق
۲۸۸.....	گفتار پنجم: اصل براءت
۲۸۹.....	۱. قرآن
۲۹۰.....	۲. احادیث
۲۹۳.....	۳. عقل
۲۹۴.....	گفتار ششم: اصل احتیاط
۲۹۴.....	۱. موضوعات محدود (دارای افراد معدود)
۲۹۶.....	۲. موضوعات غیر محدود (دارای افراد زیاد)
۲۹۸.....	۳. شک در اقل و اکثر
۳۰۰.....	گفتار هفتم: اصل تخیر
۳۰۳.....	مسائلی برای تحقیق

۳۰۴.....	گفتار هشتم: اصل استصحاب
۳۰۵.....	مسائلی برای تحقیق
۳۰۷.....	کتابنامه
۳۲۱.....	فهرست آیات
۳۲۵.....	فهرست روایات
۳۳۵.....	نمایه اعلام
۳۴۳.....	نمایه موضوعی

مقدمه

الف) اهمیت و ضرورت موضوع

امروزه، پس از گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی با مدیران ارشد و مدیران جزء راء ما و کارمندان نهادها و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف ملاقات می‌کنیم، می‌بینیم که از منظر بسیاری از آن‌ها و بر زبان برخی از آن‌ها این مجهول‌ها وجود دارند: «حد و حار د، باید‌ها و نبایدهای فقهی در برخورد‌های اداری، سیاسی، امنیتی و انتظاری، در مکتب اسلام، به‌ویژه آن‌هایی که در عرف «غیر اخلاقی» تلقی می‌شوند؛ کدام است؟»؛ «مرجع تشخیص این محدودیت‌ها چه کسی یا چه نهادی است؟»؛ «آیا کارهایی که در گزینش‌ها، تعیین صلاحیت‌ها، اخراج‌ها و برخورد‌های نظارتی انجام می‌دهیم، مشروع هستند یا نامشروع؟»؛ «تا چه حد می‌توانیم وارد مسائل شخصی، خانوادگی، اخلاقی و عقیدتی افراد شویم؟»؛ «آیا فردای قیامت می‌توانیم پاسخگوی بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهیم، باشیم؟»؛ «دخالت‌هایی که مسئولان کشورهای غربی در مسائل خصوصی افراد جامعه خود می‌کنند (و پس از یازده سپتامبر به‌شدت افزایش پیدا کرده است)، آیا در کشوری مانند ایران اسلامی، این کارها مجوز شرعی دارد یا خیر؟ تا چه اندازه؟...»؛ «مکتب اسلام، چه راه‌های نظری و عملی پیشنهاد می‌کند تا مشکلاتی مانند قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی و قتل‌های زنجیره‌ای مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر،

دامنگیر جامعه نشود؟» و «آیا احکامی در فقه سیاسی اسلام برای این موارد پیش‌بینی شده است؟»

با توجه به این مسائل و همچنین بر اساس رهنمودهای امام و تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه مأموریت‌ها و کارهایی که در نظام جمهوری اسلامی در ارگان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌ها انجام می‌پذیرد، باید بر احکام شریعت مقدس اسلام مبتنی و حاکی از اخلاق کریمانه اسلامی باشد، برخی نهادهای سیاسی و همه نهادهای نظامی و انتظامی به شدت احساس نیاز کرده‌اند که به دنبال پژوهش‌هایی در مورد احکام فقهی مرتبط با موضوعات اخلاقی در گستره مسائل سیاسی، مدیریتی، اداری، انتظامی و امنیتی باشند. بسیاری از افراد، کثیر با این نوع مسائل، در برخی از کتاب‌های علوم سیاسی به اندیشه‌هایی برآمده می‌گویند که می‌گویند: «تمام کسانی که در مقطعی از زمان، عهده‌دار مسئولیت درستی بوده‌اند به تجربه دریافته‌اند که منافع ملت‌ها همواره با اخلاق سازگاری ندارد»^۱. بنابراین به تناد و تناقضی دچار می‌شوند که حل کردن آن، برایشان مشکل می‌شود. به همین خاطر برخی معتقد می‌شوند: «سیاست پدر و مادر ندارد». پس گستره سیاست را باید از اصول اخلاقی پاک کرد و این مسئله «آغاز مرحله خطرناکی» برای نظام اسلامی است. بنابراین پژوهشی باید شکل می‌گرفت که به پرسش اساسی در خصوص چگونگی رفتارهای حکومتی در موضوعات اخلاقی، پاسخ مبسوط دهد.

ب) پیشینه تحقیق

مباحث اخلاق مرتبط با مباحث رفتارهای حکومتی، به گونه‌ای در برخی از کتاب‌های اخلاقی قدیم و جدید شکل گرفته است؛ اما با وجود ارزشمندی این کتاب‌ها، هیچ‌یک از آن‌ها در این خصوص کافی و وافی نیست؛ مثلاً دو کتاب ارزشمند «نکته‌های آغاز در اخلاق عملی»، تألیف آیت‌الله مهدوی کنی

۱. علی اصغر کاظمی: اخلاق و سیاست، ص ۱۸۸.

و یا کتاب «اخلاق الهی»، تألیف آیت الله مجتبی تهرانى به مطرح کردن تعدادى از آیات و روایات در هر یک از موضوعات، بسنده کرده؛ اما دیدگاه‌های فقهای عظام را در هر یک از این موارد مورد بررسی قرار نداده‌اند. کتاب‌های خوب و مفیدی مانند «جامع السعادات» از ملا محمد مهدى نراقى و «اخلاق شبر» از سید عبدالله شبر، از علمای بزرگوار گذشته، بسیار مورد استفاده می‌باشند؛ ولی علاوه بر اینکه از کاستی‌های بیان‌شده خالى نیستند؛ در احکام محض نمی‌سند این آثار معمولاً ضمن پرداختن به صفات اخلاقى - یعنى فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقى - بسیاری از مسائل دیگر، مانند نماز و اسرار عبادات را هم مطرح کرده‌اند. ر نوشته‌های دیگر همچون «اخلاق محتشمی» یا «اخلاق ناصری»، اثر خواجه سیرادین طوسی که سعی شده است بیشتر در زمینه مسائل اخلاق سیاسى، حکمرانى یا ادارى باشد، اولاً بیشتر به صفات و خصوصیات اخلاق شخصى که گزاران حکومتى مربوط است؛ مانند سعه صدر، ساده‌زیستى، خوش‌خلقى، رزى از حب جاه و مقام؛ ثانیاً این نوشته‌ها، مسائل بسیار کلی را مطرح کرده‌اند؛ مثلاً پرهیز از خشونت، مدارا کردن، تواضع در برابر دیگران، دورى از تجسس، سخن‌چینى و غیبت؛ ثالثاً به قواعد و اصول فقهى مرتبط با این مسائل یا نه‌پرداختن یا کمتر بدان‌ها اشاره شده است؛ مانند اصل برائت و قاعده لا ضرر؛ رابعاً کتاب‌هایی که در زمینه اخلاق فرماندهى یا کارگزارى نوشته شده‌اند مانند «اخلاق ستادى»، از على اصغر الهامى نیا و «اخلاق اطلاعاتى»، اثر على اصغر الهامى نیا و همکاران، بیشتر مورد استفاده افراد ستادى است و کمتر به صف و احلیات مربوط می‌شوند؛ مضافاً اینکه به احکام، از منظر فقهای عظام نمی‌پردازند.

پ) هدف تحقیق و کاربرد آن

برخلاف محققانى که در نگارش معارف اخلاقى با محوریت رفتارهای حکومتى، به مطرح کردن مقداری از آیات و روایات در هر یک از موضوعات،

بسنده کرده‌اند، یا دیدگاه‌های فقهای عظام در هر یک از موارد حکومتی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ این تحقیق با این هدف نگاشته شده است که در جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از افراد و کارگزاران، با این گونه رفتارها در گستره مسائل حکومتی درگیر می‌باشند و بسیار مایل‌اند دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای را در این مسائل بدانند؛ از این رو خوانندگان می‌توانند از این تحقیق، به مثابه نقشه راه رفتارهای حکومتی استفاده کنند تا از این رهگذر، بتوانند با طریقه خاطر وظایف شرعی خود را صورت دهند.

ت (د) روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، ضمن موضوع‌شناسی متناسب، نسبت به رفتارهای اخلاقی در گستره امور حکومتی، دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و بر مبنای فقیهان معاصر را در این خصوص اخذ کرده و ضمن تبیین دیدگاه‌های آنان در این موارد، احکام و توصیه‌های مناسب در رویدادهای گوناگون، رفتارهای حکمرانی را که می‌تواند به عنوان حکم اولی، غیر مجاز باشد، ارائه کرده است. فراتر آنکه در موارد مشابه نیز، توصیه‌های خاصی در جهت الگوی رفتار اخلاقی حکومت و کارگزاران، عرضه کرده است.

ث (ت) تعریف مسئله و بیان سؤالات تحقیق

کارگزاران حکومتی، در اجرای امور حکومتی، اداره جامعه، رفتارهای اداری، انتظامی و امنیتی که در مجموع می‌توان آن‌ها را «اعمال سیاسی» یا «برخوردهای حکومتی» نامید، اعمالی را مرتکب می‌شوند که اگر از حدود تعیین شده آن فراتر روند، جامعه دچار مشکلاتی می‌گردد که برای مردم، برای حکومت و برای حکومت‌کنندگان خطرناک است. این اعمال حکومت را تا سر حد سقوط پیش می‌برد. قسمتی از این اعمال، اعمالی است که به جسم افراد صدمه می‌زند و سلامت جسمانی آنان را با خطر روبه‌رو می‌کند؛ مانند پخش

آب آشامیدنی آلوده، عدم توجه به بهداشت محیطی، توزیع غذاهای مصرفی مضر و ناسالم و تهیه و توزیع داروهای خارج از استاندارد. قسمتی از این اعمال؛ - مانند تجسس، سوءظن، غیبت، خلف وعده، بهتان، تهمت، تمسخر، اذاعه اسرار و دروغ - باعث صدمه روحی گردیده، «اخلاق افراد»، «اخلاق جامعه» و در کل «امنیت اخلاقی» آن‌ها را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد؛ زیرا اگر افراد حاکم بر جامعه، موارد مشکوک شخصی، اخلاقی و عقیدتی آحاد جامعه را در نظر بگیرند، اولاً، موجبات فساد (اخلاقی) بیشتر آن‌ها را فراهم می‌کنند؛ ثانیاً، بر اثر چنین تجسسی، دوستی و صمیمیت میان آن‌ها و مردم از بین می‌رود و ثالثاً، مردم به بوب‌های هیئت حاکمه را جست‌وجو کرده و پخش می‌کنند.

در صورتی که به این مسائل به نسبت به برخی از آن‌ها - مانند تجسس، سوءظن، دروغ و اشاعه برخی اسرار - لازمه حکومت‌داری و اداره جامعه است و هیچ جامعه سیاسی امکان ندارد نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشد و از این موضوعات بهره کافی و وافی نبرد. امام علیه السلام می‌فرمایند: «روش پیامبر همواره این بود که هرگاه لشکری به جایی می‌فرستاد و امیری بر آن می‌گمارد، یکی از افراد مورد اعتماد خود را جهت تجسس از احوال آن‌ها با آن‌ها گسیل می‌کرد». این فرمایش امام علیه السلام گویای آن است که پیامبر از نوعی از این اعمال را لازمه حکومت‌داری می‌دانستند.^۱

پرسش اصلی تحقیق که در جهت شناخت خطوط قرمز رفتار امام علیه السلام حاکمومتی مطرح می‌شود، عبارت است از:

احکام فقهی برخورد‌های حکومتی بر مؤثرترین موضوعات اخلاقی کدامند؟
برای پاسخ‌گویی به این پرسش، سؤال‌های دیگری مطرح می‌شوند که عبارتند از:

۱. محمد بن الحسن الحر العاملی: وسائل الشیعة؛ ج ۱۵، ص ۶۰.

۱. حکم موضوعات اخلاقی مطرح و مؤثر بر قلمرو حکومت مرتبط با زبان و قول (اخلاقی اقوالی) کدام است؟
۲. حکم موضوعات اخلاقی مطرح و مؤثر بر قلمرو حکومت غیر مرتبط با زبان (اخلاقی افعالی) کدام است؟
۳. قواعد فقهی، اصول و مسائل اصول فقهی حاکم بر رفتارهای اخلاقی کدامند؟

ج۱ فرضیه تحقیق

آزبه در پاسخ این سؤال به طور اجمال می‌توان گفت و در این نوشتار به بررسی گذشته و حال این است که برخوردهای حکومتی در مسائل مختلف مربوط به موضوعات اخلاقی، دارای احکام فقهی متفاوتی هستند: در مسائل شخصی، خانوادگی، اخلاقی و عقیدتی افراد که به مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری ربط پیدا می‌کند، تجسس، سوءظن، غیبت، توهین، سخن‌چینی و اذاعه اسرار، به عنوان «حکم اولیه» حرام است - که با حکم حکومتی نیز جواز پیدا نمی‌کند - در مسائل شخصی، خانوادگی، اخلاقی و عقیدتی افراد که به مسائل سیاسی - امنیتی اجتماعی و اداری ربط پیدا می‌کند، تجسس، سوءظن و غیبت، به عنوان «حکم ثانویه» در ضرورت‌ها، به مقدار ضرورت، جایز و واجب می‌شود - البته با کسب اذن از مقامات مآذون - و در مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری، تجسس، سوءظن و غیبت، به عنوان حکم اولیه جایز یا واجب است.

د) نوآوری و نقدهای تحقیق

بر این اساس، تحقیق پیش رو با آثار مشابه، دارای این تفاوت‌ها است:
 اولاً به اخلاق رفتاری کارگزاران حکومتی می‌پردازد، نه به صفات اخلاقی و فضیلت‌ها و رذیلت‌ها؛

ثانیاً با دسته‌بندی‌های نو و روشن، مرزهای موضوعات مختلف را موشکافی می‌کند؛ یعنی از کلی‌گویی فاصله گرفته و بیشتر به جزئیات، توجه خواهد داشت. ثالثاً قواعد و اصول فقهی مرتبط با مسائل اخلاق حکومتی را بیشتر از نوشتارهای دیگر، مورد توجه قرار خواهد داد.

رابعاً کوشش شده است همه مطالب این نوشتار، به دیدگاه‌ها و فتاوای امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای مستند باشد که با استناد به برخی از دیدگاه‌ها و فتاوای دیگر، آنها را مطرح در طول تاریخ تشیع، به نهایت وضوح نزدیک‌تر گردد. خامساً در این نوشتار، دسته‌بندی‌هایی جدید، در زمینه این نوع از احکام ارائه خواهد شد که با ساربردی کردن مطالب، بسیار مؤثر است.

بر این اساس مشخص می‌شود که گفتمان امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و فقیهان همسو در طول تاریخ تشیع، مبتنی بر «ولایت مطلقه فقیه» گفتمان حاکم در این نوشتار می‌باشد.

(۵) ساختار تحقیق

این کتاب دربرگیرنده یک مقدمه و دو فصل است. در مقدمه، به بحث در خصوص چارچوب یا ساختار تحقیق، یعنی طرح مسئله، سؤال اصلی، سؤالات فرعی، فرضیه، تعریف مفاهیم و سازماندهی پرداخته شده است.

فصل اول به بحث درباره موضوعات اخلاقی مطرح در قاعده حکومت و مؤثر بر آن، اختصاص یافته است که این موضوعات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: موضوعاتی که بیشتر با زبان و قول سر و کار دارند. این موضوعات را می‌توان موضوعات «اخلاقی اقوالی» نامید؛ مانند غیبت، تهمت، بهتان و دروغ. همچنین موضوعاتی که زبانی و قولی نیستند، بلکه بیشتر به عمل در می‌آیند. این دسته را می‌توان موضوعات «اخلاقی عملی» نامید. هر جا اقتضای سخن آن است که مخاطب با اصل یا قاعده‌ای فقهی آشنا شود، به فصل دوم ارجاع داده شده است.

فصل دوم به تبیین اصول و قواعدی اختصاص یافته است که بر این گونه اعمال و رفتار حاکم می‌باشند. این قواعد باید بازشناسی شوند؛ زیرا این قواعد، مدارک و مستندات محققان فقه و مجتهدان در این گونه تحقیق‌ها و استنباط‌ها می‌باشند و آشناساختن مخاطبان با این قواعد، دو دستاورد خواهد داشت: اول آنکه در فهم و پذیرش مطالب، کمک خواهد کرد و دوم اینکه هنگام عمل، انستن قواعد و کلیات در حل مصادیق، یاری می‌رساند.

در این اساس، این فصل به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول به «قواعد فقهی و قواعد، اصول و مسائل اصول فقهی حاکم بر رفتارهای اخلاقی»، اختصاص یافته که بیشتر بر قواعد فقهی که تعریف خواهند شد، تکیه دارد و بخش دوم به «قواعد اصول و مسائل اصول فقهی» تخصیص یافته که حوزه بحث آن‌ها بیشتر اصول است.

هـ) مفاهیم اساسی تحقیق

جهت آشناساختن با مفاهیم بررسی آن‌ها را در عبارتهایی کوتاه، مطرح می‌کنیم:

۱. برخورد های حکومتی: به معنای مجموعه‌ای می‌شوند که در حوزه حکومتی انجام می‌پذیرند. بنابراین، این اعمال از برخوردهای شخصی و گروهی متمایز می‌گردند. ضمناً برخوردهای حکومتی را می‌توان به رفتارهای اقتصادی، قضایی، انتخاباتی، قانون‌گذاری و مردم‌داری تقسیم کرد. این نوشتار به هیچ‌یک از این رفتارها نمی‌پردازد، بلکه فقط به رفتارهایی پرداخته است که در قلمرو موضوعات اخلاقی مطرح می‌شوند.

۲. مسائل شخصی، خانوادگی، اخلاقی و عقیدتی: مسائلی هستند که معمولاً به آن‌ها، موضوعات عرصه خصوصی یا به گونه اختصار، «عرصه خصوصی»، می‌گویند^۱ و مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اداری مسائلی

۱. یکی از نویسندگان، «عرصه خصوصی» را این گونه تعریف می‌کند: هر یک از افراد

هستند که معمولاً به آن‌ها، موضوعات عرصه عمومی یا به گونه اختصار «عرصه عمومی» گفته می‌شود. این نوشتار، به این نکته می‌پردازد که حکومت و اعمال حکومتی، حق ورود به عرصه عمومی را دارند؛ اما در زمینه ورود به عرصه خصوصی دیگران مجاز نیستند؛ مگر آنکه عرصه خصوصی به عرصه عمومی، ارتباط پیدا کند که در این صورت، حکومت می‌تواند به اندازه ضرورت، به این عرصه ورود کند.

۳. **موضوعات اخلاقی:** به موضوعاتی گفته می‌شود که معمولاً در گستره مطالعات اخلاقی، آن‌ها می‌پردازند. ما به آن دسته از موضوعات می‌پردازیم که در رفتارهای حکمرانی برجسته‌تر می‌باشند (با توجه به این مطلب و مطلب قبل، موضوعات مورد بحث در این نوشتار، فضایل و رذایل نیستند، بلکه فقط رفتارها هستند).

۴. **ضرورت:** به مجموعه‌ای از شرط اضطرار، اکراه، اجبار (مالایطاق) و مصلحت - به شرایطی که ممکن است فرد یا جامعه را در آینده دچار اضطرار کنند - «ضرورت» گفته می‌شود.

جامعه، حریمی از آن خود دارد که دیگران را بدان راهی نیست، مگر اینکه شخص خود حریم شکنی کند و اجازه ورود به دیگران دهد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «انّ معی لیسیرتی مال یست علی نفسی و لالیس علی: همانا پیوسته نگاه واقع گرایی، مرا می‌بوده، تانه خود علیه خود خدعه کنم و نه کسی مرا بفریبد و در دام التباس اندازد». حریم از این حریم، بنابر اصل اولیه و اولویت، مال، جان و آبروی افراد نیز حریم شخصی آن‌ها است نه ولایت شخص بر این امور را ثابت می‌کند. پیغمبر خدا (ص) در حجة الوداع و ضمن بیان آخرین منشور مسلمانی فرمودند: «ان الله تبارک و تعالی قد حرم دمانکم و اموالکم و اعراضکم الا بحقها: به درستی که خداوند تبارک و تعالی خون‌ها، اموال و آبروی شما را محترم شمرده، مگر در ازای اجرای حق». اگر بین این حریم و رعایت حریم عمومی به لحاظ مصالح و منافع، تراحمی واقع شود، شریعت مکانیزم لازم را برای حفظ، کنترل و ترجیح حقوق عمومی ارائه کرده و با اختیاردادن به صاحبان ولایت بر محوریت حاکمیت حکم خدا، بر اساس مصالح اجتماعی، راه کارهای مناسب را نشان داده است (فریبا علام‌سوند؛ «حیطه حضور حاکمان در عرصه خصوصی خانواده»؛ فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۴).

۵. قاعده فقهی، مسئله و قاعده اصول فقهی: آنچه فقیهان عظام شیعه در طول تاریخ تتبع خود، در فقه پویای اسلامی به آن دست یافته‌اند، این است که قواعد موجود در فقه را می‌توان به دو دسته کلی، تقسیم کرد:^۱ یک دسته از این مقوله‌ها، گزاره‌هایی بسیار کلی هستند که در همه ابواب فقه، مورد استفاده قرار می‌گیرند و «به یک یا دو باب خاص، یا یک یا دو موضوع، اختصاص ندارند، بلکه شامل همه موضوعات در همه ابواب فقه، هر جا که مصداقی برای آن یافت شود، می‌گردند».^۲ مانند بحث از «هیت امر» یا «ماده امر» که آیا بر وجوب دلالت می‌کند یا خیر؟ و مانند قاعده اهم و مهم. ضمناً این دسته از قواعد در طین استنباط احکام شرعی، مورد استفاده قرار می‌گیرند، نه در استنباط خود حکم. آیت‌الله بجنوردی صاحب کتاب «القواعد الفقهية» ملاک تمایز این گونه قواعد از قواعد دسته دوم را، این می‌داند که این قواعد، کبرای قیاسی قرار می‌گیرند که نتیجه حاصل از آن، یک حکم کلی فرعی خواهد بود.^۳

۱. سه مقوله در فقه و اصول فقه، وجود دارند که باید از هم متمایز شوند؛ مانند «قواعد فقهی»، «مسائل فقهی» و «مسائل اصول فقهی».
۲. «انها لا تخص باب دون باب و بموضوع معین... بل تشمل جميع الموضوعات في جميع أبواب الفقه، مهما وجد لها مصداق» (ناصر مکارم شیرازی، *الدرر والدرر الفقهية*؛ ج ۱، ص ۲۲).
۳. «وقد بينا في موارد متعددة في كتابنا (منتهى الأصول) الفرق بين القواعد الفقهية والمسألة الأصولية، وأن المناط في كون المسألة أصولية وقوعها كبرى في قياس الاستنباط بل هي بنفسها حكم كلي فرعي تنطبق على موارد الجزئية الكثيرة في أبواب مختلفة كنقد إقرار في بيع وشراء وهبته وصلحه وعارثته وإجارته وتزويجه وطلاقه وعقده وسائر عقود وإيقاعاته ومعاملاته... فحال هذه القاعدة حال سائر القواعد الفقهية التي يعد أن أفق الفقيه بمضمونها واستبطنها من أدلتها يكون الاجتهاد والمقلد في مقام تطبيقها على حد سواء، فتكون كقواعد الفراغ والتجاوز وأصالة الصحة وغير تلك من القواعد الفقهية الكثيرة. نعم في بعض الأحيان تشخيص الموضوع وتعيينه بيد الفقيه والاجتهاد ولا يمكن للعامة والمقلد تشخيصه وتعيينه، ولا حظ له في ذلك أصلاً مثل أن الصبي المميز مالك وقادر على الوقف وأن يتصدق وأن يوصي فإذا أفق الاجتهاد، بصحة صدور هذه الأمور عن الصبي المذكور، وأقر الصبي المذكور بأحد هذه الأمور أو بجمعها، فللمقلد والعامة حينئذ تطبيق هذه القاعدة والحكم بصور الأمور المذكورة صحيحة عن الصبي المذكور. بأن يقول الصبي مالك للأمر الفلاني حسب

به علاوه استفاده از این اصول، جهت صدور حکم کلی شرعی فرعی، به فقیه اختصاص دارد و مقلدان، نمی‌توانند این‌گونه استفاده کنند. این دسته از قواعد و مسائل را فقیهان جزء «اصول فقه» می‌دانند. دسته دوم از این قواعد، گزاره‌هایی کلی هستند؛ اما یا به برخی از ابواب فقه، اختصاص دارند (مانند «قاعده طهارت» که فقط در ابواب طهارت و نجاست، ساری و جاری است و یا «قاعده لاتعداد» که فقط در باب نماز مورد استفاده دارد) و یا به موضوعات معین خاص، اختصاص دارند (مانند دو قاعده «لاضرر» و «لاخرج») این دسته، در اکثری تمام ابواب فقه مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ ولی به موضوعات خود اختصاص دارند. این عبارت است از موضوعاتی که ضرری و حرجی می‌باشند.^۱ بنابراین، خصوصاً از مسائل اصولی و اعم از مسائل فقهی می‌باشند و

فتوی الفقیه، وکل من ملک شیئ ملک امره. وهذا أيضا حسب فتوی الفقیه، فیکون إقراره بالوقف أو الصدقة أو الوصية مثلاً نادر وجائز. وهذا هو الفرق بين المسألة الأصولية والقاعدة الفقهية. وأما الفرق بين القاعدة الفقهية ومسألها: هو أن القاعدة الفقهية موضوعها أوسع من موضوع المسألة. بأن تكون المسائل المتعددة الفقهية مندرجة تحت تلك القاعدة الفقهية، ويمكن تطبيق تلك القاعدة على جميع تلك المسائل، مثلاً هذه القاعدة، التي الآن من الكلام، مندرجة تحتها مسائل كثيرة فقهية في أبواب مختلفة من مسائل أبواب المعاملات، وتنطبق على جميع تلك المسائل كما تقدم الإشارة إليها. والقواعد الفقهية في هذا الأمر، أي: في سعة دائرة انطباقها على المسائل المختلفة المشتقة في أبواب الفقه وضيقتها، مختلفة جداً. فأصالة الصحة في فعل الغير أو في فعله، على كونه غير قاعدة الفراغ، أو قاعدة الفراغ مثلاً وسعة جداً، وتجري في أبواب العبادات والعبادات الثلاث والصلاة والصوم والحج وفي أبواب المعاملات، أي في جميع العقود والإيقاعات فكلها من المسائل التي ما ذكرنا الفرق بين القاعدة الفقهية وبين المسألة الأصولية وبين القاعدة الفقهية ومسألة (محمد حسن البجنوردی؛ القواعد الفقهية؛ ج ۱، ص ۵-۷).

۱. «ومن هنا تعرف ان القواعد الفقهية (هي أحكام عامة فقهية تجرى في أبواب مختلفة، وموضوعاتها وان كانت أخص من المسائل الأصولية الا انها أعم من المسائل الفقهية. فهي كالبرازخ بين الأصول والفقه، حيث إما ان تخص بعدة من أبواب الفقه لا جميعها، كقاعدة الطهارة الجارية في أبواب الطهارة والنجاسة فقط، وقاعدة لا تعاد الجارية في أبواب الصلاة فحسب، وقاعدة ما يضمن وما لا يضمن الجارية في أبواب المعاملات بالمعنى الأخص دون غيرها. واما مختصة بموضوعات معينة خارجية وان عمت أبواب الفقه كلها، كقاعدي لا ضرر ولا حرج فإنهما وان كانتا تجريان في جل أبواب الفقه أو كلها، الا انهما تدوران حول موضوعات خاصة، وهي الموضوعات الضرورية والحرجية. وهذا

به عبارتی، برزخ میان اصول و فقه هستند و مستقیماً در استنباط احکام شرعی، ایفای نقش می‌کنند (اینکه گفته می‌شود: ظهور حجت است، این، زمینه‌ساز استنباط حکم است. اما قاعده لا ضرر، حکم ساز است و مستقیماً دخالت دارد). بجنوردی، ملاک تمایز این گونه قواعد را از قواعد دسته اول، این می‌داند که اولاً، این قواعد، کبرای کلی قیاس به منظور استنباط حکم کلی قرار نمی‌گیرند، بلکه خود حکم کلی فرعی‌ای هستند که در همه ابواب فقه بر موارد جزئی، منطبق می‌گردند. ثانیاً، وقتی چنین قاعده‌ای از طرف فقیه، استنباط و صادر شد، فقیه و مقلد در استفاده از آن مساوی هستند؛ مانند «قاعده فراغ و تجاوز». مگر آنکه مقلد در تطبیق آن بر برخی موارد جزئی و موضوعات، ناتوان باشد. این دسته از قواعد را فقیهان، «قواعد فقهی» نامیده‌اند. امام خمینی

بخلاف المسائل الأصولية، اما مستند علی حکم شرعی اصلاً بل یكون واقعاً فی طریق استنباطه کثیر من مسائله، واما تتضمن حکماً... کما کراهة الشرعية الجارية فیما لا نص فیہ علی ما عرفت من غیر اختصاص بموضوع دون آخر بل تقع فی جمیع الموضوعات إذا فقد فیها النص لا یقال: انما تخص أيضاً بموضوع خاص وهو ما لا نص فی... ان هذه الخصوصية ليس خصوصية خارجية من قبل ذات الموضوع، وإنما هي خصوصية ناشئة من ملائمة حکم الشرع كما لا یخفى علی الخیر. والغرض من جمیع ما ذکرنا فی تعريف المسألة الأصولية... والقاعدة الفقهية تشخیص حال بعض المسائل المتشابهة التي قد يقع البحث عنها، وانما من... من القواعد الفقهية أو من الفقه نفسه. ومن المعلوم ان تشخیص... حال المسألة و اندراجها فی کل واحد من العلوم له دخل تام فی طور البحث عنها و کیفیة استفادتها عن مبادئها الخاصة، فإن من واحد من العلوم یتمایز بنوع من البحث لا یجوز فی غیره، كما أشرنا إلیه فی المقدمة فکن علی بصیرة منها... نذرة، قد اشتهر فی السنة جماعة من الأصولیین ان المسائل الأصولية تنفع الاجتهاد دون المقلد، بخلاف المسائل الفقهية فانها تنفع الاجتهاد والمقلد کلهم، وقد یجعل هذا طریقاً لتمييز المسألة الأصولية عن الفقهية» (الشیخ ناصر مکارم؛ القواعد الفقهية؛ ج ۱، ص ۲۳-۲۴).

۱. «وحيث أن هذه القاعدة ليست كذلك، ولا تقع كبرى في قياس الاستنباط، بل هي بنفسها حكم كلي فرعي تطبق على موارد الجزئية الكثيرة في أبواب مختلفة كنفوذ إقراره في بيعه وشرائه وهبته وصلحه وعارته وإجارته وتزويجه وطلاقه وعقده وسائر عقوده وإيقاعاته ومعاملاته، فحال هذه القاعدة حال سائر القواعد الفقهية التي بعد أن أفتى الفقيه بمضمونها واستنبطها من أدلتها يكون الاجتهاد والمقلد في مقام تطبيقها على حد سواء، فتكون كقواعد الفراغ والتجاوز وأصالة الصحة وغير تلك من القواعد الفقهية الكثيرة. نعم في بعض الأحيان تشخيص الموضوع وتعيينه بيد الفقيه والاجتهاد ولا يمكن للعامة

معتقد است که مقلدان، حق استفاده از این قواعد در استنباط احکام را در مواردی که حکم یک مسئله مشکوک است؛ ندارند؛ زیرا موارد استفاده از این قواعد، زمانی است که مکلف شک می‌کند آیا در موضوعی خاص، حکمی از طرف شارع مقدس، صادر شده است یا خیر. در این صورت، باید به جست‌وجو پردازد و در صورت ناامیدی از پیدا کردن دلیل و مستند، به أصالة الطهارة یا أصالة الحلیة، فتوا بدهد و این مسئله (استنباط احکام) از عهده افراد ساده برنمی‌آید.^۱

۶. سلسله مراتب مآذون: در نظام ولایت فقیه، سلسله مراتب مآذون، اشخاصی هستند که در مراتب سازمانی سلسله‌وار از ولی فقیه در احکام متغیر (ثانویه و مصلحتی) صادر، اجازه می‌باشند. مثلاً در قوه قضاییه، رئیس قوه، از ولی فقیه؛ دادستان از رئیس قوه؛ ماینده دادستان، از دادستان مآذون می‌باشد.

۷. احکام اولیه: به احکامی گفته می‌شود که برای انسان همیشگی و ابدی هستند و به زمان یا مکانی اختصاص ندارند و قابل نسخ و ابطال نیز نمی‌باشند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حلال محمد (ص) تا قیامت، حلال است و حرام محمد تا قیامت، حرام است».^۲ به این نوع احکام، «احکام ثابت» نیز اطلاق می‌گردد.

۸. احکام ثانویه: به احکامی گفته می‌شود که به زمان یا مکانی اختصاص دارند و قابل نسخ و ابطال می‌باشند. به این نوع از احکام، «احکام متغیر» نیز گفته می‌شود.

والمقلد تشخيصه وتعينه» (محمد حسن البجنوردی؛ القواعد الفقهية؛ ج ۱، ص ۶).

۱. «ولیس مستند المقلدین فی العمل هو أصالة الطهارة أو الحلیة، ولا الاستصحاب أو حدیث الرفع فی الشبهات الحکمیة التي هي مورد بحثنا ههنا، لأن العامی لا یكون موردا لجریان الأصول الحکمیة، فبان موضوعها الشک بعد الفحص والیأس من الأدلة الاجتهادیة، والعامی لا یكون كذلك، فلا تجوز فی حقه الأصول حتی نعرز مصداق المأمور به» (روح الله الخمينی؛ الاجتهاد والتقليد؛ ص ۱۴۵).

۲. أباعبدالله (ع): «حلال محمد حلال أبدا إلى يوم القيامة، وحرامه حرام أبدا إلى يوم القيامة» (محمد بن یعقوب الكلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۵۸).